

## مدیریت راهبردی در انتقال فرهنگ دفاع مقدس به نسل جوان:

### الگوها، راهکارها و چالش‌ها

مرتضی نثاری<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۸

#### چکیده:

انتقال فرهنگ و ارزش‌های دفاع مقدس به نسل جوان، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های فرهنگی کشور است. هدف پژوهش حاضر شناسایی الگوها، راهکارها و چالش‌های مدیریت راهبردی در انتقال این فرهنگ در چارچوب نظریه بازتولید فرهنگی پیر بورديو است. اهمیت موضوع در آن است که با گذر زمان و کاهش نسل شاهدان عینی، خطر فراموشی یا تحریف ارزش‌ها افزایش می‌یابد. از این رو، بازتولید سرمایه فرهنگی دفاع مقدس در میدان‌های جدید اجتماعی و رسانه‌ای ضرورتی برای حفظ هویت ملی و انسجام اجتماعی محسوب می‌شود. روش‌شناسی پژوهش کیفی و مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد است. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق با خبرگان گردآوری و با کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند. برای اعتباربخشی، از مثلث‌سازی داده‌ها و بازبینی خبرگان استفاده شده. یافته‌ها نشان داد شرایط علی شامل «کاهش تعلق نسلی» و «تغییر پارادایم رسانه‌ای» است. شرایط زمینه‌ای در «پراکندگی نهادی» و «کمبود منابع» نمود دارد و شرایط مداخله‌گر در دو سطح «تسهیلگر» (تأکیدات رهبری، فعالیت‌های مردمی) و «بازدارنده» (تحریف تاریخی، جنگ روانی) عمل می‌کنند. پدیده محوری «مدیریت راهبردی انتقال بین نسلی فرهنگ دفاع مقدس» است که از طریق سه راهبرد اصلی دنبال می‌شود «یکپارچه‌سازی نظام انتقال»، «بازآفرینی روایت‌ها در قالب‌های نوین» و «توانمندسازی روایتگران جوان». پیامدها در سه سطح هویتی، امنیت نرم و بین‌المللی قابل مشاهده است. نتایج نشان می‌دهد انتقال مؤثر فرهنگ دفاع مقدس نیازمند الگویی جامع و پویاست که با بازتعریف روایت‌ها در میدان فرهنگی جدید، هم از تحریف جلوگیری کند و هم نسل جوان را به مشارکت فعال ترغیب نماید.

**واژگان اصلی:** دفاع مقدس، بازتولید فرهنگی، حافظه جمعی، انتقال فرهنگی، مدیریت راهبردی.

## مقدمه

دفاع مقدس به عنوان یک سرمایه معنوی و هویت‌ساز برای جمهوری اسلامی ایران، نه صرفاً یک رخداد تاریخی محدود بلکه مجموعه‌ای از صفات والا، آموزه‌ها و فرهنگ‌هایی است که قابلیت تأثیرگذاری بلندمدت بر جامعه را دارد. مقام معظم رهبری از آن با تعبیر «گنجینه عظیم و تمام‌نشدنی» (۱۳۳۷/۰۶/۳۰) و «مظهر برترین صفات یک جامعه» (۱۳۸۸/۰۶/۲۴) یاد کرده‌اند. این میراث، ظرفیتی فرهنگی است که می‌تواند «برای سال‌های متمادی در جامعه اثرگذار باشد» (۱۳۷۰/۰۴/۲۵). باین‌حال تغییر بسترهای اجتماعی، فرهنگی و برجسته شدن نسلی که تجربه زیست آن دوران را ندارد انتقال معانی، ارزش‌ها و روحیه دفاع مقدس به نسل‌های سوم و چهارم، انقلاب را به یک مسئله راهبردی تبدیل کرده است. هدف این پژوهش، تبیین و ارائه الگوها و راهکارهای مدیریت راهبردی فرهنگی برای انتقال مؤثر مفاهیم، ارزش‌ها و روحیه دفاع مقدس به نسل جوان با تأکید بر سازوکارهای بازتولید فرهنگی است.

چارچوب نظری این پژوهش بر مبنای نظریه «تولید و بازتولید فرهنگی» پیر بوردیو شکل گرفته است. از منظر بوردیو، استمرار و تداوم یک فرهنگ فراتر از انتقال محتوای صرف است و مستلزم بازتولید «عادت‌واره» و «سرمایه‌های فرهنگی» است، به گونه‌ای که در میدان‌های اجتماعی معاصر برای نسل جدید جذاب، معنادار و قابل دسترس گردد. مدیریت راهبردی فرهنگی در این دیدگاه عبارت است از برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و هماهنگ‌سازی فرایندهای بازتولید فرهنگی تا سرمایه‌های معنوی دفاع مقدس در میدان اجتماعی جدید قابلیت کسب، درونی‌سازی و کاربردی شدن پیدا کنند (Bourdieu, 1977; Bourdieu, 1986).

انتقال فرهنگ مقدس صرفاً یک ضرورت تاریخی نیست بلکه سرمایه‌گذاری راهبردی برای تقویت پایه‌های انقلاب، ارتقای هویت ملی و تقابل با تهاجم فرهنگی محسوب می‌شود. مقام معظم رهبری در این زمینه هشدار می‌دهند: «این دغدغه در ذهن من هست که فرهنگ جنگ و فرهنگ انقلاب و در حقیقت روحیه انقلاب - آن روحیه‌ای که در جنگ، میدانی برای رشد و بالندگی پیدا کرده بود - از بین برود» (۱۳۷۰/۰۴/۲۵). ایشان همچنین تأکید دارند: «اگر چنانچه ما در زمینه دفاع مقدس کار فرهنگی کردیم، تولید فرهنگی کردیم، این تولید کشور را غنی خواهد کرد، نیروهای انسانی ما را غنی و قوی خواهد کرد و در مقابل توطئه‌های دشمنان قوی می‌شوند»

1. habitus

(۱۳۹۵/۱۲/۱۶). غفلت از این وظیفه ممکن است منجر به کاهش ظرفیت‌های تربیتی و مقاومتی جامعه گردد؛ بنابراین طراحی یک نظام مدیریتی فرهنگی هدفمند، هماهنگ و اثربخش برای بازتولید و نهادینه‌سازی ارزش‌های دفاع مقدس ضروری است.

نگرانی نگارنده ناشی از شکاف فزاینده میان گنجینه پرمایه دفاع مقدس و سطح درک و دریافت نسل جوان است. علیرغم اقدامات پراکنده در دهه‌های گذشته، روش‌های مرسوم انتقال کمتر با شتاب تغییرات فرهنگی و فن‌آوری همگرا بوده‌اند. این دغدغه زمانی عمیق‌تر می‌شود که به هشدار رهبری توجه کنیم: «دشمن‌ها می‌خواهند ما یادمان برود؛ می‌خواهند قضیه دفاع مقدس از یادمان برود، فداکاری‌ها از یادمان برود. بعضی می‌خواهند آن دوران را تخطئه کنند» (۱۳۹۳/۰۱/۰۶). از این‌رو، پژوهش حاضر دغدغه‌مند یافتن راهبردهای نوین، نظام‌مند و مدیریت‌شده است تا میراث دفاع مقدس نه تنها محفوظ بماند بلکه در زیست‌فرهنگی نسل جدید معنا یابد و نقش‌آفرینی کند.

مسئله محوری این پژوهش فقدان یک نظام مدیریت راهبردی فرهنگی یکپارچه و اثربخش برای انتقال مفاهیم و ارزش‌های دفاع مقدس به نسل جوان است. پیامدهای این خلأ عبارت‌اند از باقی ماندن بخش‌های وسیعی از ظرفیت‌های روایی، آموزشی و هویتی دفاع مقدس در وضعیت بکر یا مغفول، ناکافی بودن جذابیت و تطبیق روش‌های انتقال موجود با انتظارات و الگوهای مصرف فرهنگی نسل دیجیتال و تسهیل روندهای فراموشی و وارونه‌نمایی تاریخی که می‌تواند اثرگذاری فرهنگی این میراث را تضعیف کند. این در حالی است که رهبر انقلاب به‌صراحت ضرورت یک اقدام مدیریت‌شده و حساب‌شده را گوشزد می‌کنند: «باید کارهای حقیقی و اساسی بکنید. باید کار کرد، باید فکر کرد، باید برنامه‌ریزی کرد، باید نقشه ریخت» (۱۳۷۹/۰۶/۲۹ و ۱۳۹۵/۱۲/۱۶). بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش چنین صورت‌بندی می‌شود: «الگوها، راهکارها و چالش‌های مدیریت راهبردی فرهنگی برای انتقال مؤثر مفاهیم و ارزش‌های دفاع مقدس به نسل جوان در چارچوب نظریه بازتولید فرهنگی پیر بوردیو کدام‌اند؟» این پرسش، پژوهش را به سمت شناسایی مؤلفه‌های کلیدی (الگوها)، پیشنهاد راه‌حل‌های عملیاتی (راهکارها) و تحلیل موانع و عوامل بازدارنده (چالش‌ها) در قالب یک نظام مدیریتی منسجم هدایت می‌کند.

## چارچوب نظری و پیشینه پژوهش

## ۱. بازتولید فرهنگی در اندیشه پیر بوردیو

پیر بوردیو با ارائه چارچوب نظری جامعی در حوزه جامعه‌شناسی فرهنگ، مفاهیم بنیادینی چون «میدان»، «عادت‌واره» و «سرمایه فرهنگی»<sup>۱</sup> را معرفی کرد. از دیدگاه بوردیو، فرهنگ صرفاً مجموعه‌ای از ارزش‌ها و نمادها نیست بلکه سازوکاری پیچیده برای بازتولید ساختارهای اجتماعی و تثبیت روابط قدرت است (Bourdieu, 1997). در این پارادایم نظری، انتقال فرهنگ دفاع مقدس را می‌توان به‌مثابه فرایندی برای بازتولید سرمایه فرهنگی خاصی تلقی کرد که در میدان اجتماعی ایران دوران جنگ و پس‌از آن شکل گرفته است. میدان‌های فرهنگی مختلف - از نظام آموزشی و نهادهای رسمی تا رسانه‌ها و عرصه هنر - در رقابتی مداوم برای تعریف «مشروعیت فرهنگی» قرار دارند (Bourdieu, 1984). در زمینه دفاع مقدس این رقابت در میدان‌های متعددی تجلی می‌یابد. میدان هنر از طریق تولید فیلم‌ها، رمان‌ها و آثار تجسمی، میدان آموزش با گنجاندن مفاهیم در متون درسی و میدان رسانه با تولید برنامه‌های مستند و گزارش‌های تاریخی. «عادت‌واره» نسل دفاع مقدس - شامل ارزش‌هایی چون ایثار، مقاومت، همبستگی و معنویت - تنها زمانی به نسل جوان منتقل می‌شود که در میدان فرهنگی معاصر بازتعریف و بازسازی شود. بوردیو<sup>۲</sup> (۱۹۹۰) عادت‌واره را به‌عنوان نظامی از سلوک‌های پایدار و قابل انتقال تعریف می‌کند که در طول زمان در فرد نهادینه می‌شود. انتقال این عادت‌واره مستلزم بازآفرینی آن در قالب‌های فرهنگی نوین و متناسب با زیست جهان نسل جوان است. سرمایه فرهنگی به‌عنوان یکی از ارکان نظریه بوردیو، در اشکال مختلف (تجسم‌یافته، عینیت یافته و نهادینه‌شده) ظاهر می‌شود. بوردیو و پاسرون<sup>۳</sup> (۱۹۷۷) تأکید می‌کنند که نهادهای آموزشی و فرهنگی، ابزارهای اصلی بازتولید فرهنگی هستند. با این حال در عصر دیجیتال، این نهادها دستخوش تحولات بنیادین شده‌اند. کاستلز<sup>۴</sup> (۲۰۱۰) در نظریه «جامعه شبکه‌ای» خویش نشان می‌دهد که رسانه‌های دیجیتال به میدان‌های مسلط فرهنگی معاصر تبدیل شده‌اند.

1. Field

2. Habitus

3. Cultural Capital

4. Bourdieu

5. Bourdieu, P., &amp; Passeron

6. Castells

## ۲. حافظه جمعی و انتقال ارزش‌ها

موریس هالبواکس<sup>۱</sup> (۱۹۹۲) به‌عنوان بنیان‌گذار مطالعات حافظه جمعی، استدلال می‌کند که حافظه فردی همواره در چارچوب گروه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد و تداوم می‌یابد. از این منظر، دفاع مقدس بخشی جدایی‌ناپذیر از حافظه جمعی ملت ایران محسوب می‌شود که باید از طریق روایت‌های تاریخی، آیین‌های یادمانی و بازنمایی در فضاهای عمومی به نسل‌های بعد منتقل گردد. حافظه جمعی صرفاً بازتاب منفعلانه گذشته نیست بلکه فرایندی فعال و پویا است که همواره در تعامل با نیازها و دغدغه‌های حال حاضر بازسازی می‌شود. هالبواکس بر این باور است که هر گروه اجتماعی چارچوب‌های حافظه خاص خود را دارد که به تجربیات جمعی معنا می‌بخشد. یان آسمن<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) با بسط نظریه هالبواکس، مفهوم «حافظه فرهنگی» را معرفی می‌کند. حافظه فرهنگی از طریق نمادها، آیین‌ها، متون و هنرها، گذشته را بازآفرینی می‌کند. آسمن تأکید می‌نماید که حافظه فرهنگی نه تنها بازتاب گذشته، بلکه بازتولید فعالانه آن در بستر نیازهای معاصر است. در این چارچوب آیین‌های یادبود، موزه‌ها، آثار هنری و متون تاریخی ابزارهای اصلی انتقال حافظه فرهنگی محسوب می‌شوند. ارل<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) با طرح مفهوم «حافظه رسانه‌ای» نشان می‌دهد که در عصر حاضر رسانه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به حافظه فرهنگی ایفا می‌کنند. رسانه‌ها نه تنها حامل حافظه جمعی هستند بلکه به صورت فعال در ساخت و بازسازی آن مشارکت دارند. هوسکن<sup>۴</sup> (۲۰۱۷) با معرفی مفهوم «حافظه دیجیتال» استدلال می‌کند که فناوری‌های دیجیتال شیوه‌های سنتی انتقال حافظه را دگرگون ساخته‌اند. در فضای دیجیتال حافظه جمعی ماهیتی شبکه‌ای، غیرمتمرکز و مشارکتی به خود گرفته است. این تحول هم چالش‌ها و هم فرصت‌های جدیدی برای انتقال ارزش‌های دفاع مقدس به نسل جوان پدید آورده است.

## ۳. انتقال فرهنگی در نظریه‌های معاصر

در نظریه‌های فرهنگی معاصر، انتقال فرهنگ نه به‌عنوان فرایندی خطی و یک‌سویه، بلکه به‌مثابه پویایی تعاملی و چند جهتی مفهوم‌پردازی می‌شود. اولیک و رایینز<sup>۵</sup> (۲۰۲۳) بر این باورند

1. Halbwachs

2. Assmann

3. Erll

4. Hoskins

5. Olick & Robbins

که روایت‌های چندلایه و تجربه محور، بیش از روایت‌های خطی و رسمی، توانایی ایجاد هم‌ذات‌پنداری در نسل جوان را دارند. این یافته با شرایط جامعه معاصر ایران هم‌خوانی کامل دارد. اسوایدلر<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) استدلال می‌کند که افراد در فرایند اجتماعی شدن، مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها و مهارت‌های فرهنگی را کسب می‌کنند که همچون کیف ابزاری برای حل مسائل زندگی از آن بهره می‌گیرند. در این چارچوب ارزش‌های دفاع مقدس باید به بخشی اساسی از این کیف ابزار فرهنگی نسل جوان تبدیل شوند. واتز<sup>۲</sup> (۲۰۲۱) با رویکرد شبکه‌ای نشان می‌دهد که انتقال فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی پیچیده صورت می‌پذیرد. در این مدل «گره‌های فرهنگی» (شامل افراد، نهادها، رسانه‌ها و سازمان‌ها) در شبکه‌ای به هم پیوسته محمل انتقال ارزش‌ها و نمادها هستند. فهم ساختار و پویایی این شبکه‌ها برای طراحی راهبردهای مؤثر انتقال فرهنگی ضروری است. جینکینز<sup>۳</sup> (۲۰۰۶) بر همگرایی رسانه‌های قدیم و جدید در شکل‌دهی به فرهنگ معاصر تأکید می‌ورزد. از دیدگاه وی، در عصر همگرایی رسانه‌ای مخاطبان منفعل به شرکت‌کنندگان فعال در تولید محتوا تبدیل شده‌اند. این تحول، پیامدهای مهمی برای انتقال فرهنگ مقدس دارد.

نظریه «جریان‌های فرهنگی جهانی» اپادورای<sup>۴</sup> (۱۹۹۶) چارچوبی ارزشمند برای درک انتقال فرهنگ در جهان معاصر جهانی شده فراهم می‌آورد. او معتقد است فرهنگ در قالب جریان‌هایی همچون رسانه‌ها و تصاویر جهانی، ایده‌ها و گفتمان‌های سیاسی و ارزشی<sup>۵</sup> و جریان‌های فناوری و نوآوری<sup>۶</sup> در حرکت و بازتولید مداوم است. شناخت و تحلیل این جریان‌ها، شرطی اساسی برای طراحی راهبردهای کارآمد انتقال فرهنگی در سطوح ملی و فراملی به شمار می‌رود.

#### ۴. مرور پیشینه پژوهش‌ها و پیوند با مبانی نظری

خضرای‌راد و همکاران (۱۴۰۱) نشان دادند که آموزه‌های دفاع مقدس باید بازتولید و به نسل‌های آینده منتقل شوند و برای این منظور اهداف و راهبردهای انتقال و نگاهشت نهادی را تدوین کردند. حجازی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای پژوهشی به بررسی نقش حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در

1. Swidler

2. Watts

3. Jenkins

4. Appadurai

5. globalized

6. mediascape

7. ideoscape

8. technoscape

دوران دفاع مقدس طی سال‌های ریاست جمهوری (۱۳۶۰-۱۳۶۷) پرداخت. وی با رویکرد توصیفی-تاریخی و بر پایه اسناد معتبر نشان داد که ایشان در این مقطع علاوه بر اداره امور کشور به‌عنوان رئیس‌جمهور، در جایگاه ریاست شورای عالی دفاع و شورای عالی پشتیبانی جنگ همچنین در تمشیت امور ارتش و سپاه و هدایت سیاست خارجی نقش‌های کلیدی ایفا کرده‌اند. محمدی‌نیکو و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی کیفی با رویکرد پدیدارشناختی به بررسی سبک زندگی همسران شهدا در دوران دفاع مقدس پرداختند. آنان با انجام ۱۷ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و تحلیل مضمون به روش کلایزی نشان دادند که سبک زندگی همسران شهدا در چهار بعد سلامت روان، روابط و مشارکت اجتماعی، گرایش معنوی و مدیریت اخلاقی قابل تبیین است. نتایج پژوهش بیانگر آن بود که این سبک زندگی در دودسته «سلامت روانی-اجتماعی» و «گرایش معنوی-اخلاقی» طبقه‌بندی می‌شود و می‌تواند به پیامدهای مثبت روان‌شناختی در زندگی آنان منجر گردد.

رحمانی (۱۳۹۵) در پژوهشی با رویکرد جامعه‌شناختی و روش سندپژوهی، به بررسی سبک زندگی رزمندگان و شهدای دفاع مقدس پرداخت. وی با تحلیل خاطرات و وصایای شهدا نشان داد که شاخص‌هایی همچون بصیرت‌بخشی، عدالت‌طلبی، ساده‌زیستی، ولایت‌پذیری، استقلال‌گرایی، شهادت‌طلبی و پاسداری از نظام مهم‌ترین مؤلفه‌های سبک زندگی آنان بوده است. نتایج پژوهش تأکید می‌کند که سیره رزمندگان و شهدا می‌تواند به‌عنوان الگوی برتر سبک زندگی اسلامی در نظام آموزشی معرفی شود. پیری (۱۳۹۵) دریافت که سیاست‌گذاری فرهنگی در پنج حوزه تولیدات آموزشی، نمادین، شنیداری و دیداری، نوشتاری و مناسکی مؤثر است و تولیدات شنیداری و دیداری بیشترین تأثیر را دارند. الهامی و آرش (۱۳۹۸) بر نقش بنیادین آموزش‌های عمومی و تولید محتوای فاخر در متون درسی تأکید کردند. رشید و پاشایی هولاسو (۱۳۹۸) در پژوهش خود به بررسی نقش مدیریت دانش در انتقال فرهنگ دفاع مقدس پرداخته و نشان دادند که مؤلفه‌های خلق دانش، به‌کارگیری، ثبت و انتقال دانش در تقویت و ترویج فرهنگ دفاع مقدس نقش مؤثری دارند. نتایج پژوهش آنان بیانگر آن بود که مدیریت دانش می‌تواند الگویی کارآمد برای کاهش شکاف نسلی و انتقال ارزش‌های دفاع مقدس به نسل جوان فراهم آورد.

سلیمان‌پور و همکاران (۱۳۹۸) نشان دادند که آشنایی دانش‌آموزان بیشتر از طریق فیلم‌ها، هنرهای نمایشی و بازدیدهای میدانی شکل می‌گیرد اما از ظرفیت مواجهه مستقیم با رزمندگان کمتر استفاده شده است. ایزدی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود به آسیب‌شناسی ترویج

فرهنگ دفاع مقدس پرداختند و نشان دادند که این حوزه از منظر محتوایی، عملکردی و ساختاری با چالش‌هایی روبه‌روست. آنان با بهره‌گیری از نظریه داده‌بنیاد، مدلی برای ترویج فرهنگ دفاع مقدس ارائه کرده و بر ضرورت توجه به ابعاد نگرشی، رفتاری و ساختاری تأکید کردند. در نهایت، تشکیل قرارگاه‌های فرهنگی را به‌عنوان راهکار کلیدی پیشنهاد دادند. اباسهل و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود به بررسی نقش جامعه سلامت در دفاع مقدس پرداختند و نشان دادند که حضور مسئولانه، داوطلبانه و ایثارگرانه پزشکان و کادر درمان به نمادی از عزت و افتخار ملی تبدیل شد. آنان با مرور منابع کتابخانه‌ای، مصاحبه‌های تاریخ شفاهی و تحلیل درسنامه‌های آموزشی ابعاد این حضور را در قالب بیست محور تبیین کردند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که مشارکت جامعه سلامت در دفاع مقدس نه تنها تاریخ‌ساز و فرهنگ‌ساز بوده بلکه الگویی الهام‌بخش برای نسل‌های آینده و نظام‌های سلامت محسوب می‌شود. سبحانی فر و همکاران (۱۳۹۶) نیز بر همان پنج حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی تأکید کردند. در سطح بین‌المللی، دروژدزوسکی او همکاران (۲۰۲۰) دریافتند که بازنمایی جنگ در مکان‌های یادمانی و فضاهای عمومی نقش مهمی در بازتولید هویت ملی دارد. اولیک و رابینز (۲۰۲۳) نیز نشان دادند که روایت‌های چندلایه و تجربه محور، بیش از روایت‌های رسمی، توانایی ایجاد هم‌ذات‌پنداری در نسل جوان را دارند. شعبانی سارویی (۱۳۹۴) در پژوهش خود با رویکرد توصیفی-تحلیلی به طراحی و تدوین الگوی فرهنگ دفاع مقدس پرداخت. وی با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای ابعاد مؤلفه‌ها و شاخص‌های این فرهنگ را شناسایی کرد و نشان داد که الگوی فرهنگ دفاع مقدس ریشه در هویت اسلامی-ایرانی دارد. نتایج پژوهش او بیانگر ضرورت نگاه نظام‌مند به تبیین و ساماندهی این فرهنگ در سطح ملی است.

### جمع‌بندی

مبانی نظری و پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که انتقال فرهنگ دفاع مقدس را می‌توان در چارچوب نظریه بازتولید فرهنگی بوردیو و نظریه‌های حافظه جمعی و فرهنگی تحلیل کرد. پژوهش‌های داخلی بیشتر بر سیاست‌گذاری فرهنگی، تولید محتوا و آموزش رسمی متمرکز بوده‌اند، در حالی که پژوهش‌های خارجی بر اهمیت بازنمایی جنگ در فضاهای عمومی و روایت‌های چندلایه تأکید دارند. خلأ اصلی در ادبیات موجود، فقدان یک مدل راهبردی یکپارچه است که بتواند شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر را در کنار راهبردها و پیامدها توضیح دهد.

<sup>1</sup>. Drozdzewski

نوآوری پژوهش حاضر در این است که با بهره‌گیری از نظریه بوردیو، «مدیریت راهبردی انتقال بین نسلی فرهنگ دفاع مقدس» را به‌عنوان پدیده محوری معرفی کرده و الگویی جامع برای بازتولید سرمایه فرهنگی در میدان فرهنگی جدید ارائه می‌دهد.

### روش تحقیق

در این پژوهش روش تحقیق با توجه به ماهیت مسئله و هدف کاربردی آن، در چارچوب رویکرد کیفی و با بهره‌گیری از راهبرد نظریه داده‌بنیاد<sup>۱</sup> طراحی و اجرا شد. نظریه داده‌بنیاد به‌عنوان روشی نظام‌مند و اکتشافی برای تولید نظریه‌های مبتنی بر داده‌های تجربی نخستین بار توسط گلیزر و اشتراوس معرفی گردید (Glaser & Strauss, 1967) و به‌ویژه در مطالعات فرهنگی و اجتماعی که نیازمند فهم عمیق از زمینه و بافت هستند، کاربرد گسترده‌ای یافته است. با توجه به پیچیدگی مفهومی و زمینه‌ای موضوع «مدیریت راهبردی فرهنگی دفاع مقدس»، این روش به دلیل توانایی در استخراج مفاهیم زمینه‌مند و نظریه‌پردازی از دل داده‌ها، گزینه‌ای معتبر محسوب شد (Corbin & Strauss, 2015).

فرایند اجرای پژوهش بر اساس پارادایم نظام‌مند نظریه داده‌بنیاد و مطابق با الگوی اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی انجام گرفت. در مرحله کدگذاری باز، داده‌های گردآوری‌شده به واحدهای مفهومی شکسته و برچسب‌گذاری شدند. در مرحله محوری، مقوله‌های اصلی و فرعی استخراج و ارتباط میان آن‌ها تحلیل گردید و در مرحله گزینشی، مقوله هسته‌ای انتخاب و سایر مقوله‌ها در ارتباط با آن ساماندهی شدند تا الگوی نهایی نظری شکل گیرد (Charmaz, 2014).

جامعه آماری پژوهش شامل خبرگان، صاحب‌نظران و مدیران ارشد فرهنگی بود که دارای تجربه عملی یا پژوهشی در حوزه‌های «مدیریت فرهنگی»، «دفاع مقدس» و «فرهنگ پایداری» بودند. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و گلوله برفی انجام شد. معیارهای ورود به نمونه شامل حداقل ده سال سابقه مدیریتی یا پژوهشی در حوزه‌های مرتبط، دارا بودن آثار مکتوب یا پروژه‌های اجرایی شاخص و برخورداری از درک عمیق نسبت به چالش‌های انتقال مفاهیم دفاع مقدس به نسل جوان بود. گروه‌های هدف برای مصاحبه شامل اساتید دانشگاهی در رشته‌های مدیریت

1. Grounded Theory

فرهنگی، ارتباطات، جامعه‌شناسی و تاریخ، مدیران ارشد نهادهای فرهنگی مانند سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، بنیاد حفظ آثار و صداوسیما، فرماندهان و راویان فرهنگی دفاع مقدس و تهیه‌کنندگان و کارگردانان آثار فاخر در حوزه دفاع مقدس بودند. حجم نمونه تا رسیدن به نقطه اشباع نظری ادامه یافت؛ یعنی زمانی که داده‌های جدید منجر به ظهور مقوله‌های تازه نشد و صرفاً تأییدکننده مفاهیم پیشین بود (Morse, 2000). در نهایت، ۲۰ مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته انجام شد. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختاریافته با خبرگان بود. برای افزایش اعتبار داده‌ها، از راهبرد مثلث سازی<sup>۱</sup> استفاده شد که شامل ترکیب سه منبع داده‌ای بود. مصاحبه‌های عمیق، تحلیل اسناد و مدارک (از جمله بیانات مقام معظم رهبری، اسناد بالادستی و متون علمی) و مشاهده مشارکتی در جلسات و برنامه‌های مرتبط (Denzin, 2012). پرسش‌های مصاحبه حول محورهای اصلی پژوهش از جمله راهبردها، چالش‌ها، نقش عوامل مؤثر و الگوی مطلوب مدیریتی طراحی شدند. تحلیل داده‌ها به صورت هم‌زمان با گردآوری داده‌ها و با استفاده از نرم‌افزار تخصصی MAXQDA (نسخه ۲۰۲۰) انجام گرفت. در مرحله کدگذاری باز، داده‌های متنی به اجزای مفهومی تفکیک و برچسب‌گذاری شدند. در مرحله کدگذاری محوری، مقوله‌های مرتبط حول محورهای مفهومی سازمان‌دهی گردیدند و در مرحله گزینشی، مقوله مرکزی انتخاب و سایر مقوله‌ها در ارتباط با آن ساماندهی شدند تا الگوی نهایی پارادایمی پژوهش شکل گیرد (Bryant & Charmaz, 2007). ملاحظات اخلاقی پژوهش شامل اخذ رضایت آگاهانه از مشارکت‌کنندگان برای ضبط و استفاده از داده‌ها، حفظ محرمانگی هویت افراد از طریق استفاده از کدهای شناسایی و امکان خروج داوطلبانه از فرایند تحقیق در هر مرحله بود. این اصول مطابق با دستورالعمل‌های اخلاق پژوهش در علوم اجتماعی رعایت شدند (Israel & Hay, 2006).

### یافته‌های پژوهش

فرآیند تحلیل داده‌ها در این پژوهش بر اساس منطق نظریه داده‌بنیاد، از سطح گزاره‌های خام مصاحبه‌ها آغاز شد و طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی به ساخت الگوی پارادایمی منتهی گردید. در ادامه دو نمونه از این مسیر تحلیلی ارائه می‌شود تا نحوه استنتاج مفاهیم نظری از داده‌های میدانی روشن گردد.

<sup>۱</sup>. triangulation

در یکی از مصاحبه‌ها، یک مدیر فرهنگی با اشاره به وضعیت نهادهای فعال در حوزه دفاع مقدس گفت: «ما در حوزه دفاع مقدس با نهادهای زیادی مواجهیم که هر کدام برنامه‌ای دارند اما هیچ هماهنگی‌ای بینشان نیست. گاهی یک نهاد کاری را انجام می‌دهد که نهاد دیگر قبلاً انجام داده یا حتی با آن در تضاد است. از طرفی، هیچ سند الزام‌آوری وجود ندارد که همه را به یک مسیر مشترک هدایت کند.» این گزاره خام در مرحله کدگذاری باز به مفاهیمی چون «پراکندگی نهادهای متولی و موازی کاری»، «فقدان سند راهبردی ملی و الزام‌آور» و «نبود سازوکار هماهنگی بین‌نهادی» تبدیل شد. در مرحله کدگذاری محوری، این کدها در کنار داده‌های مشابه در قالب مقوله‌ای با عنوان «ضعف در نظام پایش و ارزیابی برنامه‌ها» و «تمرکز بر اقدامات مناسبتی به‌جای برنامه‌ریزی بلندمدت» قرار گرفتند. سپس در مرحله کد انتخابی، این مجموعه در قالب «ساختار و حکمرانی فرهنگی ناکارآمد» تجمیع شد و نهایتاً به‌عنوان یکی از سه کد انتخابی مقوله «شرایط زمینه‌ای (عوامل مؤثر)» در الگوی پارادایمی پژوهش جای گرفت.

در نمونه‌ای دیگر، یکی از تهیه‌کنندگان آثار هنری دفاع مقدس در مصاحبه اظهار داشت: «جوان امروز با روایت‌های خطابی و سیاه‌وسفید ارتباط نمی‌گیرد. باید روایت‌هایی بسازیم که چندلایه باشد، شخصیت‌محور باشد و از قالب‌های جدید مثل بازی، پویانمایی یا حتی واقعیت مجازی استفاده کند. ما هنوز درگیر کلیشه‌های دهه شصتی هستیم.» این گزاره در مرحله کدگذاری باز به مفاهیمی مانند «روایتگری چندبعدی و غیر سیاه‌وسفید»، «ضعف در استفاده از قالب‌های نوین هنری»، «نیاز به بهره‌گیری از بازی‌های دیجیتال و واقعیت مجازی» و «عدم تناسب روایت‌ها با ذائقه نسل جدید» شکسته شد. در مرحله کدگذاری محوری، این کدها در کنار داده‌های مشابه در مقوله‌هایی چون «طراحی فرمت‌های تجربه محور و تعاملی» و «ترویج روایت‌های شخصی و میدانی قابل هم‌ذات‌پنداری» قرار گرفتند. در مرحله کد انتخابی، این مجموعه در قالب «بازآفرینی روایت و تولید محتوای جذاب» تجمیع شد و در نهایت به‌عنوان یکی از سه کد انتخابی مقوله «راهبردها» در الگوی پارادایمی پژوهش تثبیت گردید.

جدول شماره ۱. مقوله‌ها، کدهای انتخابی و محوری پژوهش

مقوله	کد انتخابی	کدهای محوری
۱. احساس خطر نسبت به گسست هویتی	۱. احساس خطر نسبت به گسست هویتی	هشدارهای مکرر رهبری درباره فراموشی؛ کاهش تعلق نسلی به روایت‌های دفاع مقدس؛ ظهور نشانه‌های بیگانگی جوانان با آرمان‌ها؛ افت انتقال تجربه‌های خانوادگی از جنگ؛ تضعیف پیوندهای میان

<p>نسلی در روایت تاریخی</p>		
<p>دفاع مقدس به مثابه گنجینه هویتی؛ لزوم حفظ دستاوردهای فرهنگی در برابر جنگ نرم؛ نقش فرهنگ دفاع مقدس در تاب‌آوری ملی؛ نیاز به انتقال معنادار تجربه زیسته؛ مشروعیت بخشی فرهنگی به بنیادهای انقلاب</p>	<p>۲. ضرورت صیانت از سرمایه فرهنگی انقلاب</p>	
<p>گذار به جامعه دیجیتال فعال؛ نفوذ رسانه‌های شخصی و شبکه‌های اجتماعی؛ تغییر الگوهای پردازش اطلاعات و کاهش توجه بلندمدت؛ رشد فرهنگ بصری و محتوای کوتاه‌مدت؛ ترجیح فرمت‌های تعاملی و مشارکتی</p>	<p>۳. تغییر پارادایم مخاطب و فضای رسانه‌ای</p>	
<p>پراکندگی نهادهای متولی و موازی کاری؛ فقدان سند راهبردی ملی و الزام‌آور؛ نبود سازوکار هماهنگی بین‌نهادی؛ ضعف نظام پایش و ارزیابی برنامه‌ها؛ تمرکز بر اقدامات مناسبتی به جای برنامه‌ریزی راهبردی</p>	<p>۱. ساختار و حکمرانی فرهنگی ناکارآمد</p>	
<p>کمبود بودجه مستمر برای پروژه‌های نوآورانه؛ عدم تخصیص بهینه فرصت پخش و دسترسی؛ ضعف زیرساخت‌های فناوری فرهنگی؛ نبود حمایت مالی از تولیدات مستقل مردمی؛ کمبود نیروی انسانی متخصص روایتگری دیجیتال</p>	<p>۲. محدودیت‌های منابع و امکانات</p>	<p>شرایط زمینه‌ای</p>
<p>شکاف تجربه زیسته با نسل دفاع مقدس؛ ذائقه چندرسانه‌ای و علاقه به فرم‌های تعاملی؛ مسئله محوری و مطالبه‌گری بالای جوانان؛ تمایل به مشارکت در تولید معنا؛ حساسیت به زبان و فرم‌های بیگانه با زیست روزمره</p>	<p>۳. ویژگی‌های جامعه هدف (نسل جوان)</p>	
<p>تأکیدات مستمر رهبری و تعیین اولویت‌ها؛ ارائه چارچوب‌های کلان و پیام‌محور؛ ایجاد فشار جهت‌سنجی برای اقدام نهادی؛ حمایت نمادین و معنوی از طرح‌های فرهنگی؛ زمینه‌سازی برای هماهنگی بین نهادها</p>	<p>۱. نقش رهبری و جهت‌دهی کلان</p>	
<p>ظهور هسته‌های روایتگری جوانان؛ تولید آثار فاخر توسط دغدغه‌مندان غیردولتی؛ شکل‌گیری جنبش‌های مجازی دفاع از ارزش‌ها؛ شبکه‌سازی روایتگران مردمی؛ استفاده از ظرفیت هیئت و اردوهای میدانی</p>	<p>۲. فعالیت‌های خودجوش مردمی و نخبگانی</p>	<p>شرایط مانع‌آلود (سهمیگر بازارداران)</p>
<p>جنگ روانی و تحریف تاریخی؛ تولید و ترویج محتوای ضد ارزشی و شبه‌اطلاعات؛ عملیات جذب یا بی‌ثبات‌سازی نخبگان فرهنگی؛ القای شک و تردید نسبت به روایت رسمی؛ بهره‌برداری از فرمت‌های</p>	<p>۳. اقدامات خصمانه دشمن</p>	

	بصری برای وارونه‌سازی معنا	
بدایه محوری	«ضرورت طراحی الگوی جامع انتقال فرهنگی»؛ «تلفیق تجربه‌های دفاع مقدس با نیازهای نسل جدید»؛ «ایجاد انسجام میان نسلی در روایت‌ها»؛ «تبدیل روایت‌ها به سرمایه اجتماعی»؛ «توجه به پیوستگی تاریخی و آینده‌نگری»	۱. بازتعریف مأموریت انتقال فرهنگی
	«ایجاد هم‌افزایی میان نهادهای رسمی و مردمی»؛ «تقویت ظرفیت‌های رسانه‌ای و هنری نوین»؛ «بهره‌گیری از فناوری‌های دیجیتال و تعاملی»؛ «توانمندسازی روایتگران جوان»؛ «ایجاد شبکه‌های توزیع و بازنشر مردمی»	۲. نهادینه‌سازی سازوکارهای اجرایی و شبکه‌ای
	«تدوین شاخص‌های سنجش اثربخشی انتقال فرهنگی»؛ «پایش مستمر تغییرات ذائقه نسل جوان»؛ «اصلاح و بازنگری راهبردها بر اساس بازخوردها»؛ «ایجاد نظام یادگیری سازمانی در حوزه فرهنگ»؛ «تضمین پایداری و استمرار فرآیند انتقال»	۳. استقرار نظام پایش و ارزیابی راهبردی
راهبردها	تدوین سند راهبردی ملی با نقشه راه عملیاتی؛ ایجاد ستاد هماهنگ‌کننده فرا بخشی با اختیارات اجرایی؛ استقرار نظام پایش، ارزیابی و اصلاح؛ طراحی مدل‌های بومی انتقال فرهنگی؛ تدوین شاخص‌های سنجش اثربخشی روایتگری	۱. مهندسی و یکپارچه‌سازی نظام انتقال فرهنگی
	روایتگری چندبعدی و غیر سیاه‌وسفید؛ سرمایه‌گذاری در بازی‌های ویدیویی و واقعیت مجازی؛ تولید پویانمایی، رمان گرافیک و محتوای کوتاه بصری؛ طراحی فرمت‌های تجربه محور و تعاملی؛ ترویج روایت‌های شخصی و میدانی قابل هم‌ذات‌پنداری	۲. بازآفرینی روایت و تولید محتوای جذاب
	اعطای تسهیلات و حمایت از استارت‌آپ‌های فرهنگی؛ ایجاد شبکه‌های توزیع و پخش مردمی برای آثار فاخر؛ آموزش و توانمندسازی روایتگران جوان؛ پشتیبانی مالی و مشورتی از تولیدات هیئتی و مردمی؛ راه‌اندازی پلتفرم‌های مشارکتی تولید و بازنشر محتوا	۳. توانمندسازی و شبکه‌سازی نهادهای مردمی
بنیادها	نهادینه شدن ارزش‌های ایشار و مقاومت در نسل جدید؛ افزایش سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی؛ تقویت روحیه انقلابی و خودباوری ملی؛ انسجام میان نسلی در بازتولید روایت‌ها؛ خلق روایت‌های هویتی نوین متناسب با زیست کنونی	۱. تثبیت و تعمیق هویت اسلامی-ایرانی
	ایجاد مصونیت فرهنگی در برابر تهاجم دشمن؛ افزایش سواد رسانه‌ای	۲. ارتقای توان مقابله با

و مهارت تحلیل محتوای تحریف‌شده؛ فعال شدن جامعه در شناسایی و خنثی‌سازی توطئه‌ها؛ کاهش تأثیرگذاری کمپین‌های تبلیغی دشمن؛ تقویت شبکه‌های دفاع فرهنگی مردمی	جنگ نرم	
افزایش قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی؛ تولید روایت‌های قابل ترجمه برای مخاطب بین‌المللی؛ الهام‌بخشی به جنبش‌های مقاومت منطقه‌ای؛ مشارکت در شبکه‌های بین‌المللی روایتگری؛ ارتقای ظرفیت صادرات فرهنگی حوزه مقاومت	۳. توسعه گفتمان دفاع مقدس در سطح جهانی	

### شرایط علی

شرایط علی به عواملی اشاره دارد که منشأ و خاستگاه اصلی مسئله‌اند و توضیح می‌دهند چرا پدیده محوری شکل گرفته است. در این پژوهش، شرایط علی به بحران هویتی، ضرورت صیانت از سرمایه فرهنگی و تغییر پارادایم رسانه‌ای بازمی‌گردد.

در یک مصاحبه، استاد جامعه‌شناسی اشاره کرد: «وقتی دانشجویان می‌گویند روایت‌ها برایشان به خاطره‌ای دور تبدیل شده، یعنی پیوند معنایی گسسته است.» این گزاره به «کاهش تعلق نسلی به روایت‌های دفاع مقدس» و «تضعیف پیوندهای میان نسلی در روایت تاریخی» دلالت دارد و سطح خطر را نشان می‌دهد. در مصاحبه دیگری، مدیر فرهنگی هشدار داد: «اگر روایت‌ها به زبان امروز ترجمه نشود، دشمن آن خلأ را با نسخه‌های تحریف‌شده پر می‌کند.» این بیان به «هشدارهای مکرر رهبری درباره فراموشی» و «مشروعیت بخشی فرهنگی به بنیادهای انقلاب» متصل است. استدلال اصلی این است که مسئله در سطح علی از سه محور تغذیه می‌شود. نخست «احساس خطر نسبت به گسست هویتی» که نشانه‌های آن در «ظهور نشانه‌های بیگانگی جوانان با آرمان‌ها» و «افت انتقال تجربه‌های خانوادگی از جنگ» عیان است. دوم «ضرورت صیانت از سرمایه فرهنگی انقلاب» که با «نقش فرهنگ دفاع مقدس در تاب‌آوری ملی» و «نیاز به انتقال معنادار تجربه زیسته» توجیه می‌شود. سوم «تغییر پارادایم مخاطب و فضای رسانه‌ای» که با «گذار به جامعه دیجیتال فعال»، «نفوذ رسانه‌های شخصی و شبکه‌های اجتماعی» و «ترجیح فرمت‌های تعاملی و مشارکتی» چرخش الگوی معنا سازی را بازتعریف می‌کند. از منظر تحلیلی، نادیده گرفتن این سه محور باعث می‌شود پاسخ‌های سیاسی صرفاً محتوایی باقی بمانند و به سطح ساختاری و رسانه‌ای نرسند. در نتیجه، حتی تولید محتوای خوب نیز در غیاب تطابق با زیست جهان نسل جدید با «تغییر

الگوهای پردازش اطلاعات و کاهش توجه بلندمدت» مواجه و کم اثر می‌شود؛ بنابراین، شرایط علی نه فقط «چرایی» مسئله بلکه «ضرورت» بازپیکربندی راهبردی را اثبات می‌کند.

### شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای به بستر نهادی و اجتماعی اشاره دارد که در آن پدیده محوری رخ می‌دهد. این شرایط می‌توانند فرایند انتقال فرهنگ را تسهیل یا محدود کنند.

در یک مصاحبه، مدیر اجرایی گفت: «هر نهاد برای خودش کار می‌کند و مایه یک مرجع الزام‌آور برای هم مسیر کردن نداریم» این بیان با «پراکندگی نهادهای متولی و موازی کاری»، «فقدان سند راهبردی ملی و الزام‌آور» و «نبود سازوکار هماهنگی بین نهادی» هم مسیر است. مصاحبه دوم، فعال فرهنگی جوان توضیح داد: «ایده هست، انرژی هست، اما زیرساخت و بودجه نیست؛ متخصص روایتگری دیجیتال هم کم داریم». این گزاره ناظر به «کمبود بودجه مستمر برای پروژه‌های نوآورانه»، «ضعف زیرساخت‌های فناوری فرهنگی» و «کمبود نیروی انسانی متخصص روایتگری دیجیتال» است. تحلیل زمینه‌ای نشان می‌دهد که حتی در حضور انگیزه و ضرورت، بستر نهادی و منابع قفل‌ساز هستند. «ضعف نظام پایش و ارزیابی برنامه‌ها» و «تمرکز بر اقدامات مناسبی به جای برنامه‌ریزی راهبردی» چرخه‌ای از فعالیت‌های کوتاه‌مدت و کم اثر ایجاد می‌کند که با «عدم تخصیص بهینه فرصت پخش و دسترسی» تشدید می‌شود. افزون بر این، ویژگی‌های جامعه هدف ساختار مسئله را پیچیده می‌کند. «شکاف تجربه زیسته با نسل دفاع مقدس» و «ذائقه چندرسانه‌ای و علاقه به فرم‌های تعاملی» تقاضای فرمت‌های جدید را بالا می‌برد، درحالی‌که «حساسیت به زبان و فرم‌های بیگانه با زیست روزمره» ریسک طرد روایت‌های کلیشه‌ای را افزایش می‌دهد. استدلال کلیدی این است که انتقال موفق، تابع نسبت میان ظرفیت نهادی و ترجیحات مخاطب است. هر چه نا ترازای میان «ساختار و حکمرانی فرهنگی ناکارآمد» و نیازهای نسل دیجیتال شدیدتر باشد، اصطکاک راهبردی بیشتر و اثرگذاری کمتر خواهد شد. پس اصلاح زمینه، شرط امکان راهبردهاست.

### شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر عواملی هستند که در جریان تحقق پدیده محوری نقش تعدیل‌کننده دارند، یعنی می‌توانند فرایند انتقال را تسهیل یا بازدارندگی ایجاد کنند.

یک مدیر فرهنگی تصریح کرد: «مطالبه‌گری و تأکیدات رهبری باعث می‌شود دستگاه‌ها

مسئولیت‌پذیر شوند و اولویت بدهند.» این گفته به «تأکیدات مستمر رهبری و تعیین اولویت‌ها»، «ایجاد فشار جهت سنجی برای اقدام نهادی» و «زمینه‌سازی برای هماهنگی بین نهادها» اشاره دارد. از سوی دیگر، فعال مردمی گفت: «هسته‌های جوان روایتگری در فضای مجازی کار می‌کنند، اما هم‌زمان با موج‌های تحریف و عملیات روانی روبه‌رو هستند.» این به «ظهور هسته‌های روایتگری جوانان»، «شبکه‌سازی روایتگران مردمی» و «جنگ روانی و تحریف تاریخی» مربوط است. تحلیل نشان می‌دهد میدان مداخله ترکیبی از نیروهای تسهیلگر و بازدارنده است. در محور تسهیل «حمایت نمادین و معنوی از طرح‌های فرهنگی» و «ارائه چارچوب‌های کلان و پیام‌محور» ظرفیت هم‌افزایی را بالا می‌برند. در محور بازدارنده، «تولید و ترویج محتوای ضد ارزشی و شبه‌اطلاعات» و «القای شک و تردید نسبت به روایت رسمی» اعتبار روایت‌ها را هدف می‌گیرند و با «بهره‌برداری از فرمت‌های بصری برای وارونه‌سازی معنا» سرعت انتشار تحریف را افزایش می‌دهند. استدلال راهبردی این است که باید پلی میان ظرفیت رسمی و خودجوش ساخت. زمانی که «فعالیت‌های خودجوش مردمی و نخبگانی» با «نقش رهبری و جهت‌دهی کلان» هم‌راستا شود، تاب‌آوری روایتی تقویت و اثر بازدارنده دشمن تقلیل می‌یابد. در مقابل شکاف میان این دو، میدان را برای «بی‌ثبات‌سازی نخبگان فرهنگی» و تخریب اعتماد عمومی باز می‌کند. پس کیفیت تنظیم‌گری و شبکه‌سازی، تعیین‌کننده نسبت نیروهاست.

### پدیده محوری

پدیده محوری مقوله هسته‌ای پژوهش است که سایر مقولات حول آن سازمان می‌گیرند. در این تحقیق پدیده محوری «مدیریت راهبردی انتقال بین نسلی فرهنگ دفاع مقدس در پارادایم فرهنگی جدید» است.

در مصاحبه‌ای، کارشناس سیاست‌گذاری فرهنگی گفت: «انتقال فرهنگ دفاع مقدس دیگر یک پروژه مناسبی نیست؛ باید معادله مأموریت، شبکه و پایش هم‌زمان بازطراحی شود.» این فهم با «ضرورت طراحی الگوی جامع انتقال فرهنگی» و «توجه به پیوستگی تاریخی و آینده‌نگری» هم‌راستاست. در مصاحبه دیگری، مدیر محتوای دیجیتال افزود: «تا وقتی شاخص‌ها و بازخوردها جدی گرفته نشوند، روایت‌ها به سرمایه اجتماعی تبدیل نمی‌شود.» این به «تدوین شاخص‌های سنجش اثربخشی انتقال فرهنگی» و «اصلاح و بازنگری راهبردها بر اساس بازخوردها» متصل

است. پدیده محوری «مدیریت راهبردی انتقال بین نسلی فرهنگ دفاع مقدس در پارادایم فرهنگی جدید» سه بعد انتخابی دارد که به صورت سامانه‌ای درهم تنیده‌اند: «بازتعریف مأموریت انتقال فرهنگی» با «تلفیق تجربه‌های دفاع مقدس با نیازهای نسل جدید»، «ایجاد انسجام میان نسلی در روایت‌ها» و «تبدیل روایت‌ها به سرمایه اجتماعی» ماهیت مسئله را از تولید پیام به طراحی معنا ارتقا می‌دهد؛ «نهادینه‌سازی سازوکارهای اجرایی و شبکه‌ای» با «ایجاد هم‌افزایی میان نهادهای رسمی و مردمی»، «تقویت ظرفیت‌های رسانه‌ای و هنری نوین» و «بهره‌گیری از فناوری‌های دیجیتال و تعاملی» توان اجرا و توزیع را می‌سازد؛ «استقرار نظام پایش و ارزیابی راهبردی» با «پایش مستمر تغییرات ذائقه نسل جوان»، «ایجاد نظام یادگیری سازمانی در حوزه فرهنگ» و «تضمین پایداری و استمرار فرآیند انتقال» چرخه یادگیری را کامل می‌کند. استدلال نهایی فقط با هم‌زمان‌سازی مأموریت، شبکه و پایش، امکان عبور از پراکندگی به مدیریت معنادار فراهم می‌شود.

#### راهبردها

راهبردها اقداماتی هستند که برای تحقق پدیده محوری طراحی می‌شوند. آن‌ها مسیرهای عملیاتی تحول فرهنگی را نشان می‌دهند.

یک استاد سیاست‌گذاری فرهنگی گفت: «تا زمانی که یک سند الزام‌آور با نقشه راه و ستاد هماهنگ‌کننده نباشد، انرژی‌ها پراکنده می‌ماند». این نکته با «تدوین سند راهبردی ملی با نقشه راه عملیاتی» و «ایجاد ستاد هماهنگ‌کننده فرا بخشی با اختیارات اجرایی» پیوند دارد. کارگردان حوزه مقاومت افزود: «جوان امروز به روایت چندلایه و فرمت‌های تجربه محور نیاز دارد؛ بازی، پویانمایی و واقعیت مجازی مخاطب را درگیر می‌کند». این یافته با «سرمایه‌گذاری در بازی‌های ویدیویی و واقعیت مجازی»، «تولید پویانمایی، گرافیک نوول و محتوای کوتاه بصری» و «طراحی فرمت‌های تجربه محور و تعاملی» همخوان است. راهبردها سه محور عملیاتی دارند: «مهندسی و یکپارچه‌سازی نظام انتقال فرهنگی» که با «استقرار نظام پایش، ارزیابی و اصلاح» و «تدوین شاخص‌های سنجش اثربخشی روایتگری» از سطح توصیه به سطح اجرا می‌رسد. «بازآفرینی روایت و تولید محتوای جذاب» که با «روایتگری چندبعدی و غیر سیاه‌وسفید» و «ترویج روایت‌های شخصی و میدانی قابل هم‌ذات‌پنداری» شکاف تجربه زیسته را پر می‌کند. «توانمندسازی و شبکه‌سازی نهادهای مردمی» که با «آموزش و توانمندسازی روایتگران جوان»، «ایجاد شبکه‌های توزیع و پخش مردمی» و «راه‌اندازی پلتفرم‌های مشارکتی تولید و باز نشر محتوا» مقیاس‌پذیری ایجاد می‌کند. استدلال کلیدی ترکیب

طراحی کلان، نوآوری محتوایی و توانمندسازی بدنه مردمی، اثر شبکه‌ای می‌سازد؛ هر نقص در یکی، کارایی دو محور دیگر را فرو می‌کاهد.

### پیامدها

پیامدها نتایج اجرای موفق راهبردها هستند و نشان می‌دهند تحقق پدیده محوری چه دستاوردهایی به همراه خواهد داشت.

یک استاد علوم اجتماعی گفت: «انتقال درست روایت‌ها می‌تواند به تثبیت هویت اسلامی-ایرانی منجر شود و شکاف‌های نسلی را کاهش دهد.» این نتیجه با «نهادینه شدن ارزش‌های ایثار و مقاومت در نسل جدید»، «انسجام میان نسلی در بازتولید روایت‌ها» و «افزایش سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی» هم‌راستا است. فعال رسانه‌ای دیگری بیان کرد: «وقتی روایت‌های اصیل در قالب‌های جذاب ارائه شوند، جوانان در برابر حملات رسانه‌ای مقاوم‌تر می‌شوند و خودشان به تولیدکننده روایت تبدیل می‌شوند.» این با «ایجاد مصونیت فرهنگی در برابر تهاجم دشمن»، «افزایش سواد رسانه‌ای و مهارت تحلیل محتوای تحریف‌شده» و «فعال شدن جامعه در شناسایی و خنثی‌سازی توطئه‌ها» سازگار است. پیامدها سه لایه دارند: هویتی، امنیت نرم و بین‌المللی. در سطح بین‌المللی، «تولید روایت‌های قابل ترجمه برای مخاطب بین‌المللی» و «الهام‌بخشی به جنبش‌های مقاومت منطقه‌ای» مسیر «افزایش قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی» را هموار می‌کند. استدلال نهایی این است که پیامدها تابع کیفیت راهبردها و هماهنگی زمینه و مداخله‌اند؛ هر چه «تقویت شبکه‌های دفاع فرهنگی مردمی» و «مشارکت در شبکه‌های بین‌المللی روایتگری» گسترده‌تر شود، «ارتقای ظرفیت صادرات فرهنگی حوزه مقاومت» محتمل‌تر خواهد بود. در مجموع، پیامدهای موفق، حلقه بازخوردی مثبتی می‌سازند که دوباره مشروعیت و انگیزه راهبردی را تقویت می‌کند.

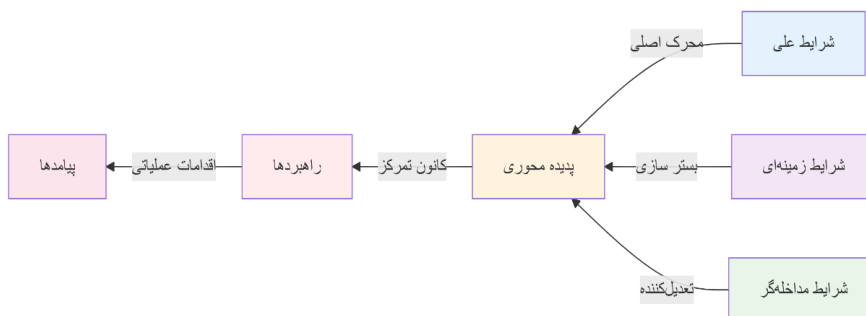
### تحلیل کلان و مدل پژوهش

در نگاه کلان شش مقوله‌ای که از دل داده‌ها استخراج شده‌اند، نه به‌صورت منفرد بلکه در قالب یک شبکه پویا معنا پیدا می‌کنند. شرایط علی، ریشه‌های بحران را توضیح می‌دهد و نشان می‌دهد چرا مسئله انتقال فرهنگ دفاع مقدس به یک ضرورت بدل شده است. احساس خطر نسبت به گسست هویتی، ضرورت صیانت از سرمایه فرهنگی و تغییر پارادایم رسانه‌ای سه محرک اصلی‌اند که مسئله را به سطح ملی و راهبردی ارتقا می‌دهند. این ضرورت‌ها اما در خلأ عمل نمی‌کنند؛ آن‌ها

در بستری نهادی و اجتماعی قرار دارند که خود پر از محدودیت و نا ترازی است. ناکارآمدی حکمرانی فرهنگی، کمبود منابع و شکاف نسلی، شرایط زمینه‌ای هستند که ظرفیت یا مانع تحقق این ضرورت‌ها را تعیین می‌کنند. به بیان دیگر، حتی اگر انگیزه و ضرورت قوی باشد در غیاب بستر مناسب، انتقال فرهنگ به نتیجه مطلوب نمی‌رسد.

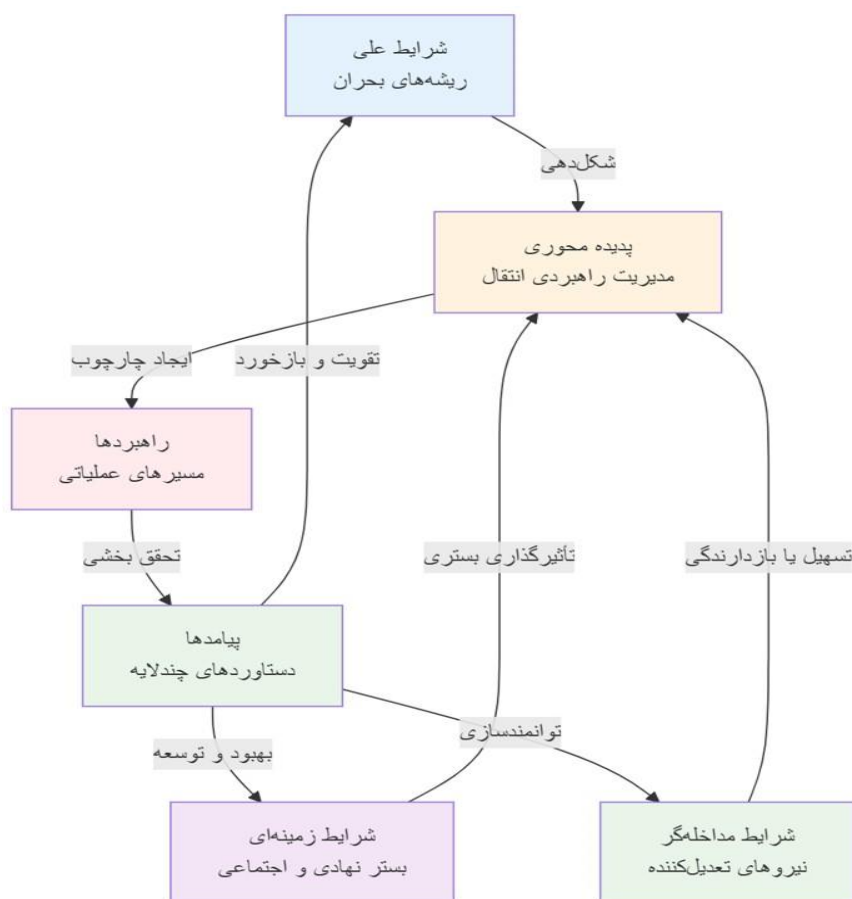
در این میان، شرایط مداخله‌گر نقش تعدیل‌کننده دارند. از یک سو تأکیدات رهبری و فعالیت‌های خودجوش مردمی به‌عنوان نیروهای تسهیلگر عمل می‌کنند و می‌توانند انرژی و جهت‌دهی لازم را فراهم آورند. از سوی دیگر اقدامات خصمانه دشمن با تحریف تاریخی و جنگ روانی روایت‌های اصیل را تهدید می‌کند. کیفیت تعامل میان این نیروهای دوگانه تعیین می‌کند که آیا راهبردها به ثمر می‌نشینند یا نه. اگر هم‌افزایی میان ظرفیت رسمی و مردمی شکل بگیرد، تاب‌آوری روایتی افزایش می‌یابد اما اگر این هم‌افزایی ضعیف باشد، روایت‌ها در برابر حمله‌ها آسیب‌پذیر خواهند بود. در چنین بستری است که پدیده محوری، یعنی مدیریت راهبردی انتقال بین نسلی فرهنگ دفاع مقدس معنا پیدا می‌کند. این پدیده در واقع تلاشی است برای بازتعریف مأموریت انتقال، نهادینه‌سازی شبکه‌های اجرایی و استقرار نظام پایش و یادگیری مستمر.

راهبردها در این مدل، مسیرهای عملیاتی‌اند که بحران را به ظرفیت تبدیل می‌کنند. مهندسی و یکپارچه‌سازی نظام انتقال، بازآفرینی روایت و تولید محتوای جذاب و توانمندسازی نهادهای مردمی سه محور اصلی‌اند که باید هم‌زمان فعال شوند. این راهبردها اگر در بستر مناسب و با حمایت نیروهای تسهیلگر اجرا شوند، پیامدهایی چندلایه به همراه خواهند داشت: تثبیت هویت اسلامی-ایرانی، ارتقای توان مقابله با جنگ نرم و توسعه گفتمان دفاع مقدس در سطح جهانی. این پیامدها خود به‌صورت حلقه بازخوردی عمل می‌کنند. سرمایه اجتماعی و قدرت نرم حاصل از آن‌ها، دوباره ضرورت صیانت را تقویت کرده و بستر نهادی را بهبود می‌بخشد؛ بنابراین، مدل پژوهش نه یک زنجیره خطی، بلکه یک سامانه یادگیرنده است که دائماً میان علل، زمینه‌ها، مداخله‌ها، راهبردها و پیامدها در گردش است. از دل این تحلیل کلان می‌توان دو مدل پژوهش ترسیم کرد. مدل نخست، یک مدل خطی-توضیحی است که نشان می‌دهد چگونه شرایط علی در بستر زمینه‌ای قرار می‌گیرند، توسط شرایط مداخله‌گر تعدیل می‌شوند، به راهبردها منتهی می‌گردند و پیامدها را تولید می‌کنند. این مدل برای توضیح منطق درونی نظریه مفید است.



شکل شماره ۱. مدل خطی الگوی پارادایمی

مدل دوم، یک مدل شبکه‌ای چرخه‌ای است که بر پویایی و بازخوردها تأکید دارد. در این مدل، پیامدها صرفاً نتایج نهایی نیستند بلکه به‌عنوان ورودی‌های جدید عمل می‌کنند که دوباره بر شرایط علی و زمینه‌ای اثر می‌گذارند. این نگاه چرخه‌ای نشان می‌دهد که انتقال فرهنگ دفاع مقدس یک فرایند مستمر و یادگیرنده است که نیازمند بازنگری و اصلاح دائمی است. به این ترتیب، پژوهش نه تنها یک الگوی پارادایمی ارائه می‌دهد بلکه مدلی پویا برای مدیریت فرهنگی در شرایط پیچیده امروز پیشنهاد می‌کند.



شکل شماره ۲. مدل شبکه ای الگوی پارادایمی پژوهش

### جمع‌بندی بخش یافته‌ها

در جمع‌بندی یافته‌ها می‌توان گفت که مسیر تحلیل داده‌ها نشان داد مسئله انتقال فرهنگ دفاع مقدس به نسل جوان، صرفاً یک دغدغه محتوایی یا مناسبیتی نیست بلکه در دل خود مجموعه‌ای از الگوها، راهکارها و چالش‌ها را در برمی‌گیرد. در روایت‌های مصاحبه‌شونده‌ها بارها بر «کاهش تعلق نسلی به روایت‌های دفاع مقدس» و «ظهور نشانه‌های بیگانگی جوانان با آرمان‌ها» تأکید شد. این گزاره‌ها نشان می‌دهند که ریشه‌های بحران هویتی در حال شکل‌گیری است و ضرورت بازاندیشی در شیوه‌های انتقال را برجسته می‌سازد. از سوی دیگر، داده‌ها آشکار کردند که بستر نهادی و اجرایی نیز خود بخشی از مسئله است؛ جایی که «پراکندگی نهادهای متولی و موازی

کاری» و «فقدان سند راهبردی ملی و الزام‌آور» مانع از هم‌افزایی و انسجام در اقدامات می‌شود. در کنار این محدودیت‌ها، نیروهای مداخله‌گر نیز نقش دوگانه‌ای ایفا می‌کنند. برخی مصاحبه‌ها بر «تأکیدات مستمر رهبری و تعیین اولویت‌ها» و «ظهور هسته‌های روایتگری جوانان» به‌عنوان ظرفیت‌های تسهیلگر تأکید داشتند، درحالی‌که هم‌زمان «جنگ روانی و تحریف تاریخی» و «تولید محتوای ضد ارزشی» به‌عنوان موانع جدی مطرح شدند. این وضعیت نشان می‌دهد که میدان فرهنگی همواره محل تقابل نیروهای متعارض است.

در پاسخ به این وضعیت، مجموعه‌ای از راهکارها از دل داده‌ها بیرون آمد که نشان‌دهنده امکان تغییر و تحول است. مصاحبه‌ها بر «تدوین سند راهبردی ملی با نقشه راه عملیاتی»، «روایتگری چندبعدی و غیر سیاه‌وسفید» و «توانمندسازی روایتگران جوان» تأکید داشتند؛ گزاره‌هایی که نشان می‌دهد چگونه می‌توان از سطح هشدار و دغدغه به سطح اقدام و راهبرد گذر کرد. درنهایت، پیامدهای مورد انتظار نیز در داده‌ها بازتاب یافتند. از «نهادینه شدن ارزش‌های ایثار و مقاومت در نسل جدید» گرفته تا «ایجاد مصونیت فرهنگی در برابر تهاجم دشمن» و «توسعه گفتمان دفاع مقدس در سطح جهانی». این پیامدها نشان می‌دهند که اگر الگوها درست فهمیده شوند، راهکارها به‌درستی اجرا شوند و چالش‌ها مدیریت گردند، انتقال فرهنگ دفاع مقدس نه تنها در سطح ملی بلکه در سطح بین‌المللی نیز می‌تواند به دستاوردهای پایدار منجر شود.

### نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که انتقال فرهنگ و ارزش‌های دفاع مقدس به نسل جوان، یک فرایند پیچیده و چندلایه است که تنها با تولید محتوا یا برگزاری برنامه‌های مناسبتی تحقق نمی‌یابد. این فرایند در بستر بحران‌های هویتی و رسانه‌ای شکل می‌گیرد. جایی که «کاهش تعلق نسلی»، «ظهور نشانه‌های بیگانگی جوانان با آرمان‌ها» و «تغییر پارادایم مخاطب و فضای رسانه‌ای» ضرورت بازاندیشی در شیوه‌های انتقال را آشکار می‌سازد. درعین‌حال، بستر نهادی و اجتماعی با چالش‌هایی چون «پراکندگی نهادهای متولی»، «فقدان سند راهبردی ملی» و «کمبود منابع و زیرساخت‌های فرهنگی» مواجه است که ظرفیت اقدام را محدود می‌کند. شرایط مداخله‌گر نیز دوگانه عمل می‌کنند. از یک‌سو «تأکیدات رهبری» و «فعالیت‌های خودجوش مردمی» به‌عنوان نیروهای تسهیلگر عمل می‌کنند و از سوی دیگر «تحریف تاریخی» و «جنگ روانی دشمن» تهدیدی جدی برای روایت‌های اصیل به شمار می‌روند.

در چنین بستری، پدیده محوری یعنی «مدیریت راهبردی انتقال بین نسلی فرهنگ دفاع مقدس» به‌عنوان راه‌حل کلیدی مطرح می‌شود. این مدیریت راهبردی زمانی موفق خواهد بود که سه مؤلفه اصلی آن هم‌زمان فعال شوند: بازتعریف مأموریت انتقال، نهادینه‌سازی شبکه‌های اجرایی و مردمی و استقرار نظام پایش و یادگیری مستمر. راهبردهای عملیاتی نیز در سه سطح طراحی شدند: «مهندسی و یکپارچه‌سازی نظام انتقال»، «بازآفرینی روایت و تولید محتوای جذاب» و «توانمندسازی نهادهای مردمی». پیامدهای این فرایند در سه سطح هویتی، امنیت نرم و بین‌المللی قابل مشاهده است و می‌تواند به «تثبیت هویت اسلامی-ایرانی»، «ایجاد مصونیت فرهنگی» و «توسعه گفتمان جهانی دفاع مقدس» منجر شود.

#### پیشنهاد‌های مبتنی بر یافته‌ها

- ❖ **تدوین سند ملی الزام‌آور:** ایجاد یک سند راهبردی جامع با نقشه راه عملیاتی که همه نهادهای فرهنگی را ملزم به هماهنگی و هم‌افزایی کند.
  - ❖ **بازآفرینی روایت‌ها در قالب‌های نوین:** سرمایه‌گذاری در تولید روایت‌های چندلایه، تجربه محور و تعاملی از طریق بازی‌های دیجیتال، پویانمایی، گرافیک نوول و واقعیت مجازی.
  - ❖ **توانمندسازی روایتگران جوان:** طراحی برنامه‌های آموزشی و حمایتی برای نسل جدید روایتگران و ایجاد پلتفرم‌های مشارکتی برای تولید و بازنشر محتوا.
  - ❖ **ایجاد نظام پایش و ارزیابی مستمر:** تدوین شاخص‌های سنجش اثربخشی روایتگری و بازنگری دوره‌ای راهبردها بر اساس بازخورد مخاطبان و تغییرات ذائقه نسل جوان.
  - ❖ **تقویت شبکه‌های مردمی و هیئتی:** حمایت مالی و معنوی از تولیدات مردمی و استفاده از ظرفیت هیئت، اردوهای جهادی و شبکه‌های اجتماعی برای گسترش روایت‌های اصیل.
  - ❖ **دیپلماسی فرهنگی فعال:** ترجمه و بازتولید روایت‌های دفاع مقدس برای مخاطب بین‌المللی و مشارکت در شبکه‌های جهانی روایتگری به‌منظور ارتقای قدرت نرم.
- این پژوهش نشان داد که انتقال فرهنگ دفاع مقدس نیازمند یک نگاه سامانه‌ای و راهبردی است. نگاهی که هم به ریشه‌های بحران توجه کند، هم بستر نهادی را اصلاح نماید، هم نیروهای مداخله‌گر را مدیریت کند و هم راهبردهای نوآورانه و مردمی را به کار گیرد تا پیامدهایی پایدار و چند سطحی حاصل شود.

## منابع

- امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، مجموعه بیانات، قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>
- اباسهل، ابوالقاسم؛ ابوالحسنی، علی اصغر؛ احمدیانی، ابوالحسن، احمدی تیمورلویی، سیداحمد؛ امامی رضوی سیدحسن؛ آذرنوش، مرتضی و همکاران (۱۳۹۷). فرهنگ و ارزش‌های دفاع مقدس، حضور عزتمند و ارزش آفرین و فرهنگ‌ساز جامعه سلامت در دفاع مقدس. فرهنگ و ارتقاء سلامت. ۲ (۴)، ۵۳۲-۵۳۳
- ایزدی، مصطفی؛ پیری، هادی‌مراد؛ حاتمی، حمیدرضا و سهرابی، حسین (۱۳۹۶). ترویج فرهنگ دفاع مقدس، آسیب‌شناسی، ارائه مدل و راهکارها. سیاست دفاعی، ۲۶ (۹۹)، ۱۱۹-۱۵۲.
- پیری، هادی‌مراد (۱۳۹۵). راهبرد سیاست‌گذاری فرهنگی در زمینه علوم و معارف دفاع مقدس به‌منظور حفظ و انتقال آن به نسل‌های آینده. مطالعات دفاع مقدس، ۲ (۴)، ۷-۲۷.
- حجازی، سید امین (۱۴۰۱). نقش حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در دفاع مقدس در دوران ریاست‌جمهوری (۱۳۶۷-۱۳۶۰). مطالعات دفاع مقدس، ۸ (۲)، ۱۸۵-۲۰۹.
- خضرابی‌راد، جواد؛ قالیباف، محمداقبر؛ احمدوند، علی محمد و محکی، علی اصغر (۱۴۰۱). راهکارهای انتقال آموزه‌های فرهنگی دفاع مقدس به نسل‌های آینده. مطالعات دفاع مقدس، ۸ (۲)، ۳۵-۵۶.
- رحمانی، غلام‌عباس (۱۳۹۵). سبک زندگی رزمندگان و شهدای دفاع مقدس. مطالعات دفاع مقدس، ۲ (۳)، ۱۲۲-۸۷.
- رشید، غلامعلی و پاشایی هولاسو، امین (۱۳۹۸). مقاله پژوهشی: بررسی نقش و ارائه الگوی تأثیرگذار مدیریت دانش بر انتقال فرهنگ دفاع مقدس. مطالعات دفاعی استراتژیک، ۱۷ (۷۵)، ۵۲-۸۲
- سبحانی‌فر، محمدجواد؛ پیری، هادی‌مراد و بویه، چمران (۱۳۹۶). اولویت‌بندی سیاست‌های فرهنگی نگهداشت و انتقال ارزش‌های دفاع مقدس به نسل آینده. مطالعات دفاع مقدس، ۳ (۳)، ۴۱-۶۰.
- سلیمان پورعمران، محبوبه؛ حاتم زاده، سهراب؛ یوسفی فر، حسین و سیاح، مجتبی (۱۳۹۸). بررسی روش‌ها و میزان آشنایی دانش‌آموزان با ارزش‌های دفاع مقدس مطالعه موردی: شهرستان بجنورد. مطالعات دفاع مقدس، ۵ (۱)، ۳۳-۵۱.
- شعبانی سارویی، رمضان (۱۳۹۴). طراحی و تدوین الگوی فرهنگ دفاع مقدس. مطالعات ملی، ۱۶ (۶۳)، ۶۲-۴۵.
- محمدی نیکو، مرضیه؛ رضاپور میرصالح یاسر و متقی دستنائی، شکوفه (۱۴۰۱). کاوشی در سبک زندگی همسران شهدا جنگ تحمیلی: یک مطالعه کیفی. مطالعات دفاع مقدس، ۸ (۳)، ۱۵۷-۱۸۳.
- الهامی، امیرحسین و آرش، مجید (۱۳۹۸). جایگاه دفاع مقدس در برنامه‌های درسی و آموزشی وزارت آموزش پرورش؛ ارزیابی، آسیب‌شناسی و پیشنهادهای راهبردی. مطالعات دفاع مقدس، ۵ (۱)، ۵۳-۷۰.
- Aldine. Israel, M., & Hay, I. (2006). *Research Ethics for Social Scientists*. SAGE Publications.

- Morse, J. M. (2000). *Determining Sample Size*. *Qualitative Health Research*, 10(1), 3–5.
- Appadurai, A. (1996). *Modernity at Large: Cultural Dimensions of Globalization*. University of Minnesota Press.
- Assmann, J. (2011). *Cultural Memory and Early Civilization*. Cambridge University Press.
- Bourdieu, P. (1977). *Outline of a Theory of Practice*. Cambridge University Press.
- Bourdieu, P. (1984). *Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste*. Harvard University Press.
- Bourdieu, P. (1990). *The Logic of Practice*. Stanford University Press.
- Bourdieu, P., & Passeron, J. C. (1977). *Reproduction in Education, Society and Culture*. Sage Publications.
- Bryant, A., & Charmaz, K. (Eds.). (2007). *The SAGE Handbook of Grounded Theory*. SAGE Publications.
- Castells, M. (2010). *The Rise of the Network Society*. Wiley-Blackwell.
- Charmaz, K. (2014). *Constructing Grounded Theory* (2nd ed.). SAGE Publications.
- Corbin, J., & Strauss, A. (2015). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory* (4th ed.). SAGE Publications.
- Denzin, N. K. (2012). *Triangulation 2.0*. *Journal of Mixed Methods Research*, 6(2), 80–88.
- Drozdowski, D., Waterton, E., & Sumartojo, S. (2020). Cultural memory and identity in the context of war: Experiential, place-based and political concerns. *International Review of the Red Cross*, 101(910), 411–433.
- Erll, A. (2011). *Memory in Culture*. Palgrave Macmillan.
- Glaser, B. G., & Strauss, A. L. (1967). *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*.
- Halbwachs, M. (1992). *On Collective Memory*. University of Chicago Press.
- Hoskins, A. (2017). *Digital Memory Studies*. Routledge.
- Jenkins, H. (2006). *Convergence Culture: Where Old and New Media Collide*. New York University Press.
- Olick, J. K., & Robbins, J. (2023). From Collective Memory to the Historical Sociology of Mnemonic Practices. *Annual Review of Sociology*.
- Olick, J. K., & Robbins, J. (2023). Social memory studies: From “collective memory” to the historical sociology of mnemonic practices. *Annual Review of Sociology*, 49, 285–307
- Swidler, A. (2020). *Talk of Love: How Culture Matters*. University of Chicago Press.
- Watts, D. J. (2021). *Everything is Obvious: Once You Know the Answer*. Penguin Books.